

موفقیت تحصیلی دانش آموزان با بهبود مولفه های هوش هیجانی

هدایت حسین پور ۱

کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه مسجدسلیمان، کارشناس حراست آموزش و پرورش شهرستان اندیکا

hedayat2590@chmail.ir

مهنازبابادی ۲

کارشناس آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد مسجدسلیمان، آموزگار آموزش و پرورش شهرستان مسجدسلیمان

hedayat2590@chmail.ir

فرزانه بابادی ۳

کارشناس علوم تجربی دانشگاه آزاد مسجدسلیمان، آموزگار آموزش و پرورش شهرستان مسجدسلیمان

hedayat2590@chmail.ir

محمد مهدی حسین پور ۴

سطح دوحوزه علمیه شهرستان مسجدسلیمان

hedayat2590@chmail.ir

معصومه حسین پور ۵

کارشناس آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد مسجدسلیمان

hedayat2590@chmail.ir

چکیده :

تقویت هوش هیجانی دانش آموزان و کمک به موفقیت آنها می تواند به شکل گسترده ای صورت بگیرد. آموزش مهارت های ارتباطی به دانش آموزان، شامل گوش دادن فعال، ارتباط غیرخشنودانه، بیان احساسات و نظرات به درستی و احترام به دیگران، می تواند به تقویت هوش هیجانی آنها کمک کند. این مهارت ها به دانش آموزان کمک می کنند تا بتوانند به درستی با دیگران ارتباط برقرار کنند و به مشکلات ارتباطی خود راه حل پیدا کنند. آموزش و تمرین خودآگاهی به دانش آموزان کمک می کند تا احساسات و واکنش های خود را درک کنند و ارتباط آنها با رفتارهایشان را درک کنند. این شامل تمرین های توجه به تنفس، مدیریت استرس، تمرین مدیریتیشن و نوشتن مجدد افکار منفی است. در نتیجه از یافته های این روایت پژوهی می توان اینگونه برداشت کرد که آموزش مهارت های همدلی و همراهی به دانش آموزان می تواند به تقویت هوش هیجانی و افزایش موفقیت آنها کمک کند. این شامل تمرین هایی مانند تشویق به همکاری و همراهی با دیگران، توسعه قدرت های اجتماعی مانند تعامل مثبت و حل مسئله گروهی است. همکاری و تعامل فعال با خانواده و مدرسان دانش آموزان می تواند به تقویت هوش هیجانی و موفقیتشان کمک کند. برگزاری جلسات با والدین و مراقبت کنندگان، ارائه بازخورد سازنده و هماهنگی در برنامه ها و روش های آموزشی می تواند به دانش آموزان کمک کند تا از حمایت و همراهی خانواده و مدرسان بهره بیشتری ببرند. تشویق دانش آموزان به همکاری و تعامل مثبت با همکلاسانشان می تواند به تقویت هوش هیجانی و موفقیت آنها کمک کند. ایجاد فرصت هایی برای کار گروهی، همکاری در پروژه ها، تشویق به ارتباطات مثبت و حل مسئله در گروه ها می تواند به توانایی های اجتماعی و همدلی دانش آموزان کمک کند.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، موفقیت، دانش آموز.

۱- مقدمه: هوش عاطفی، هوش احساسی یا هوش هیجانی شامل شناخت و کنترل عواطف و هیجان‌های خود است و با هیجان‌ات و خلیقات در ارتباط است. اثرات هوش هیجانی بر سعادت و خوشبختی انسان شگفت‌انگیز است. هوش هیجانی همچنین نقش مؤثری در آرامش انسان دارد. در واقع این هوش عاطفی است که می‌تواند هوش عقلانی را بکار گیرد و در جهت مقصودش به پیش ببرد. شاید تا کنون افراد باهوش زیادی را دیده باشید که نه در شغل و کارشان و نه در روابط خانوادگی و روابط بین فردی‌شان و نه در تفریح و عشق ورزیدنشان و ... موفقیتی حاصل نکرده‌اند. کسانی را هم می‌شناسیم که علیرغم این که از هوش سرشاری برخوردار نیستند، زندگی آرام و موفقی داشته‌اند و حتی به سطوح بالای موقعیت‌های اجتماعی دست یافته‌اند. هوش هیجانی و مهارت‌های هیجانی طی زمان رشد می‌کنند و طی زندگی تغییر می‌کنند (گلمن، ترجمه پارسا، ۱۹۹۵).

معلم‌ان برتر و فرهیختگان پژوهشگر در طول سال‌های متوالی سعی بر این داشته‌اند که مطالعات گسترده‌ای بر روی موضوع تقویت هوش هیجانی و محورهای تربیتی آن داشته باشند. به طور قطع به یقین باید گفت که مسئله تقویت هوش هیجانی و پرداختن به ارکان تربیتی مرتبط با آن و جنبه‌های گوناگون تربیتی در این رابطه می‌تواند راهگشای دقیقی در رابطه با اعتلای سطح دانش آموزان در این رابطه و ارتقا و بهبود سطح دانش و تجربه همکاران باشد. به جرئت می‌توان گفت که پرداختن به مسئله تقویت هوش هیجانی یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که می‌توان به آن پرداخت و همچنین در این رابطه موضوع مهمی که جای بحث دارد موضوع موفقیت تحصیلی در دانش آموزان است. پرداختن به این مسئله و مستندسازی تجربیات در این رابطه می‌تواند راهبرد‌های تربیتی و اخلاقی غیر قابل وصفی را در اختیار دانش آموزان و معلمان قرار دهد. همکاران فرهنگی بر این باورند که در رابطه با تقویت هوش هیجانی می‌توان تجارب مستند شده و روایتی پرمغز و پرمحتوایی را ارائه نمود که بتوان در اختیار سایر همکاران قرار داد. در آغاز قرن بیست و یکم، به تعلیم و تربیت بیش از گذشت توجه شده است تا جوامع بشری بتوانند با ایجاد تحول و افزایش کارایی‌های و کفایت در این زیرمجموعه نظام‌های اجتماعی، با چالش‌های موجود به گونه‌ای سازنده روبرو شوند و برای عبور از آنها بستری مناسب تر، کارساز تر و موجه تر در اختیار داشته باشند، در جامعه انسانی اساسی‌ترین کار تعلیم و تربیت است و کسی که این رسالت را به دوش می‌کشد معلم است معلمی به هرگونه تلاشی که برای هدایت تکامل و آموزش انسانی صورت بگیرد اطلاق می‌شود از همین روست که پیامبران معلم بشر خوانده می‌شوند خداوند به عنوان معلم اول " و علم ادم الاسماء کلها " (بقره ۳۱). از خلقت و آفرینش انسان در پی هدفی است وان تربیت جانشین "انی جاعل فی الارض خلیفه" (بقره ۳۰). برای خود در کره خاکی می‌باشد خداوند برای تربیت جانشین خود در زمین خود در مقام معلم و حضرت ادم در مقام متعلم رمزهای علم و معرفت و اسما الهی را به آدم آموخت این فضائل برای معلم زمانی ارزشمند است که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و در جهت کمال جامعه به تعلیم و تربیت پردازد تعلیم و تربیت از شئون الهی است و خداوند این موهبت را به اولیای پاک خود عنایت فرموده است تا بشر را هدایت گر باشند از این رو دغدغه معلم همیشه این است که حیات بشر بر مدار ارزش‌ها و کرامت انسانی بچرخد و شناخت خدا و مکتب و دین همت اساسی آدمی باشد و هیچ بیگانه‌ای را مجال تجاوز به فرهنگ ارزشی دین و میهن فراهم نیاید.

بیان ضرورت و اهمیت موضوع

آنچه حائز اهمیت است پرداختن به مباحث مربوط به تقویت هوش هیجانی و همچنین موضوعاتی چون موفقیت تحصیلی در دانش آموزان می‌تواند افق‌های تازه‌ای را در عرضه پژوهش در پیش روی همکاران فرهنگی باز کند.

امروزه در همه جوامع مدرسه در حکم مهم ترین نهاد تعلیم و تربیت جایگاه ویژه ای دارد و در کنار خانواده وظیفه تعلیم و تربیت دانش آموزان را به دوش می کشد و انسان امروز به شدت به تربیت رسمی و مدرسه نیاز دارد. زیرا مدرسه محل تجربه و راهنمای زندگی انسان است و بخش مهمی از زندگی دانش آموزان مدرسه است زندگی و تربیت برای انسان دو مفهوم لازم و ملزومند. انسان تا وقتی زنده است به تربیت نیاز دارد و او را تربیت می کنند تا بتواند زندگی کند. تحصیل علم و کسب دانش، چگونه زیستن و تجربه اندوختن از اهداف والای آموزش و پرورش می باشد. اما مدارس امروز به دلیل مختلف خواسته ها و نیازهای اغلب نوجوانان را برآورده نمی کنند و نمی توانند در آنان ایجاد انگیزه نمایند. به عبارتی دیگر تک بعدی شده اند و فقط به جنبه های آموزشی به طور مطلق اهمیت می دهند و نیازهای عاطفی و احساسی و روحی و روانی آنان را در مراتب پایین تر قرار می دهند. برای ایجاد فرآیند یادگیری در محیط های آموزشی، ابتدا باید بستری مناسب فراهم باشد یعنی اینکه دانش آموز ابتدا به مدرسه و مسئولین علاقمند باشد و با روحیه ای شاد و با نشاط وارد این محیط بشود و در فضای آموزشی موجود احساس آرامش و امنیت و شادابی داشته باشد. یادگیری در محیطی توأم با تهدید و ترس و ارباب به سهولت انجام نمی گیرد. در چنین محیط هایی به جای برقرار فرآیند یادگیری متفکرانه هیجانات منفی و واکنش های نامطلوب شکل می گیرد. یکی از عواملی که باعث ایجاد روحیه شاد و آرامش در دانش آموزان می شود تقویت هوش هیجانی است که عمل به آن می تواند منجر به موفقیت تحصیلی در دانش آموزان و در نهایت شادی و نشاط معلمان و دانش آموزان گردد.

هدف کلی/اهداف ویژه

هدف اصلی: موفقیت تحصیلی دانش آموزان با بهبود مولفه های هوش هیجانی

اهداف فرعی:

- بهبود مشارکت اولیا و مربیان و تقویت ارتباط معلمان با اولیا و دانش آموزان به عنوان مثلث آموزشی و تربیتی مدرسه
- تدوین مستند سازی تجربیات در رابطه با تقویت هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی در دانش آموزان
- بهبود سطح آگاهی دانش آموزان و اولیا و کسب تجربیات بیشتر در رابطه با تقویت هوش هیجانی

شرح روایت

آنچه حائز اهمیت است این است که کسب تجارب و حل و فصل مسائل پیش آمده پیرامون تقویت هوش هیجانی و موضوعات مربوط به آن تاثیر قابل ملاحظه ای در ارتقای سطح معلومات معلمان و سایر همکاران فرهنگی دارد. مسائلی که در این رابطه مورد بحث است شامل موارد زیادی می باشد که هر یک رابطه مستقیم و معنا داری با قضیه مذکور دارند. در این میان می توان به مقوله موفقیت تحصیلی در دانش آموزان اشاره نمود. در واقع بحث و تجربه نگاری پیرامون مقوله موفقیت تحصیلی در دانش آموزان از دیدگاه پژوهشگران موضوعی غیر قابل اجتناب می باشد. باید گفت موضوع موفقیت تحصیلی در دانش آموزان این موضوع را ثابت می کند که می توان در نظام آموزش و پرورش افق های تازه ای را بر روی محققین باز کرد.

. با توجه به اینکه همیشه تبعیض طبقاتی را در میان دانش آموزان مشاهده نموده ام همیشه سعی بنده در این است که تعلیم و تربیتی را به دانش آموزانم ارائه دهم که هیچ گونه تفاوتی با بالاترین سطح از مدارس افراد مرفه نداشته باشد.

تعلیم و تربیت دانش آموزان رسالتی خطیر و بزرگ است که نظام آموزشی کشور به انجام این امر می پردازد. به سبب شرایط محیطی، پایین بودن آمار دانش آموزی، کمبود معلم، فضای آموزشی، وضعیت فیزیکی مدارس، کلاس ها، و روش های تدریس و جدید و التالیف بودن بعضی از کتب و عدم آگاهی اولیاء از روشهای نوین تدریس و همچنین پایین بودن سطح سواد اولیاء در کمک نمودن به فرزندانشان یک ضرورت به نظر می رسد. امروزه در جامعه معلمانی داریم که ارتباط عاطفی مناسبی با دانش آموزان برقرار می کنند و از نظر علمی و انتقال تجارب تربیتی در سطح بالایی هستند و همچنین مهارت انتقال اطلاعات را دارا هستند.

با توجه به این موضوع، شیوه های اداره ی کلاس نوین و متفاوت گروهی را می طلبد به طوری که در شیوه ی گروهی نیز تدریس درس و یا موضوع به صورت مشارکتی و با همکاری کلیه دانش آموزان انجام می گیرد. همیشه می بایست در کلاس از روش های مشارکتی استفاده نمود که سطح رقابت پذیری در میان دانش آموزان افزایش یافته و ارتقا یابد.

در تجربه حاضر در بخش واقعه نگاری روایت پژوهی مهم ترین تصمیم بنده کوشش در جهت بهبود وضعیت پیش آمده بود. در این رابطه می بایست حتما تفاوت های دانش آموزان هم مد نظر گرفته شود. باید در هنگام تدریس حتی به سر و وضع و مرتب و یا نامرتب بودن لباس دانش آموزان بود چرا که از روی خصوصیات ظاهری می توان به تفاوت های آنان پی برد

طبیعتاً وجود کلاس در شرایط فیزیکی مناسب یکی از عوامل مهم ایجاد رغبت در یادگیرندگان و عدم خستگی آن ها از توصیه های درسی و تربیتی است. در نظام های مختلف آموزش و پرورش، ممکن است این مسئولیت به عهده معلم کلاس، مدیر مدرسه، و واحدهای فنی مهندسی نظام های آموزشی قرار گیرد. منظور از روش های نوین آموزش و تربیت کنار گذاشتن کامل روش آموزش و تربیت سنتی نمی باشد بلکه سعی کنیم در کنار روش های سنتی بیشتر از روش های دانش آموز محور استفاده کنیم

گنگلوسی پیشنهاد می کند کلاس باید قابل تطبیق با روش ها و راهبردهای تدریس متنوع باشد و به نحوی طراحی شود که از یک سو فراگیران بتوانند از روش های مختلف تدریس مثل سخنرانی، گروه های کوچک، و مطالعه انفرادی سود برند؛ و از سوی دیگر معلم نیز موضعی مناسب برای نظارت داشته باشد و به سهولت بتواند سریع و راحت اصول راهبردهای مختلف یاددهی - یادگیری را در کلاس به اجرا بگذارد و جای کافی برای نگهداری مواد و تجهیزات آموزشی داشته باشد. بنابراین، هدف اساسی محیط مناسب کلاس، سازماندهی آن به صورتی است که به اهداف آموزشی معلمان از نوع که باشد، کمک نماید. من به این دلیل به الگوهای برتر آموزش و تربیت روی آوردم چرا که تربیت معلم در نزدیک کردن من به آرمان های حرفه ای، موثر واقع نشد زیرا آن چنان که شایسته بود نتوانست من را به اهدافم که شناخت دانش آموزان، نحوه ی برقراری ارتباط با آن ها و شیوه ی آموزش و تربیت موثر بود، نزدیک سازد.

دانش آموزانی که در کلاس من وجود داشتند همه کنجکاو و تشنه دانش بودند. بنده در طول تحصیل با ویژگی های شخصیتی دانش آموزان بیشتر آشنا شدم و آموختم که دانش آموزان یک کلاس با همه ی شباهت هایی که ممکن است در زمینه ی سنی، جنسی، و حتی فرهنگی داشته باشند، دارای تفاوت های معناداری با یکدیگر هستند به طوری که یک معلم نمی تواند در یک کلاس ۳۰ نفره، همه ی دانش آموزان را با یک دیدگاه، ببیند

شیوه ی ارائه آموزش و تربیت در دانشگاه فرهنگیان فقط به صورت تئوری بود در حالی که اگر خیلی از این مسائل با مثال های عملیاتی تر ارائه می شد یقیناً سبب یادگیری عمیق تری در دانشجو معلمان می شد. لازم به ذکر است که بنده در تحصیلات آکادمیک، تجارب سودمندی کسب کردم، زیرا دروس ارائه شده بیشتر مربوط به آموزش دروس رشته بنده بود و من از اکثر دروس، تدریس هایی در حضور استادان محترم و هم کلاسی هایم داشتم و با بهره مندی از نقد هایی که از من می شد، اشکالات تدریس خود را متوجه می شدم به طوری که می توانم بگویم این تدریس ها بهترین تجاربی بود که در دانشگاه کسب کردم.

چینش دروس در ترم ها نیز باید بگونه ای باهم مرتبط می بود و واحد های درسی اگر باهم ارتباط طولی و عرضی مناسب تری در هر ترم آموزشی داشتند مسلماً ساختار علمی منسجم تر و سازماندهی شده تری را در ذهن دانشجو معلم به وجود می آوردند. چرا که تمامی ما دانشجو معلم ها بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی جذب بازار کار خواهیم شد بنابراین خیلی مهم است که به روش اصولی و کارآمد آموزش ببینیم تا بتوانیم بهترین عملکرد را داشته باشیم. و چقدر تاثیر گذاری صحبت های اساتید بر روی ما بیشتر می شد اگر که خود نیز به گفته های خود جامه ی عمل می پوشانند زیرا آنها نیز برای ما الگو بودند برای راهی که قصد پیمودن آن را داشتیم.

اگرچه عمده تحقیقات انجام یافته ی مرتبط، به چگونگی رابطه در این مقوله پرداخته اند، اما مطالعات محدودی به بررسی متغیرهای همبسته با آن اختصاص یافته اند که اساس ارائه ی یک رویکرد پیشگیرانه و مداخله ای مؤثر است، به ویژه آنکه شکل پژوهشگری در رابطه با تقویت هوش هیجانی و ماهیت آن در سال های اخیر تغییر یافته است. اکثر محققان توافق دارند که مبحث تقویت هوش هیجانی و رابطه آن با موفقیت تحصیلی در دانش آموزان از مسائل مورد انتظار در جامعه پژوهشی است.

یکی از بهترین روش‌های پژوهش پیرامون تقویت هوش هیجانی، استفاده از نظرات پژوهشگران موفق است. با توجه به اینکه مسائل مربوط به تقویت هوش هیجانی ابعاد و جنبه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد، لذا ارائه‌ی اطلاعات جامع از فاکتورهای تحقیقاتی مربوط به آن دشوار است. تاکنون در جامعه ما درباره‌ی موضوع تقویت هوش هیجانی در مؤسسات آموزش عالی و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی در دانش آموزان و عملکرد آن‌ها بررسی‌هایی صورت گرفته است. اما باز هم جا دارد که روی این مسئله کار شود. فقدان ابزار مناسب برای ارزیابی پژوهش‌های صورت گرفته و استفاده از آن در فعالیتهای آموزشی، کنفرانس‌ها و فراخوان‌های علمی و آموزشی به شدت به چشم می‌خورد.

کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند، می‌توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای راهنمایی فرایند تفکر و اقدامات شخصی استفاده کنند. هوش هیجانی، اصطلاح فراگیری است که مجموع گسترده‌ای از مهارت‌ها و خصوصیات فردی را دربر گرفته و به طور معمول به آن دسته مهارت‌های درون فردی و بین فردی گفته می‌شود که فراتر از دایره مشخصی از دانش‌های پیشین، چون بهره‌های هوشی و مهارت‌های فنی یا حرفه‌ای است. اگر چه کودکان با سرشت و فطرت گوناگون به دنیا می‌آیند و چگونگی برخورد آن‌ها با مسایلی چون برخوردهای اجتماعی، اشتیاق، خجالت و غیره متفاوت است؛ اما هوش هیجانی (عاطفی) به والدین و مربیان کمک می‌کند تا بر روی قابلیت‌ها و یا عدم وجود آن‌ها کار کرده و کودکان را برای رویارویی با جامعه بیرونی آماده کنند. برای مثال والدین به جای جلوگیری از برخورد بچه‌های خجالتی با دنیای بیرون، باید آن‌ها را با چالش‌های جدیدی مثل دیدار با دوستان جدید و قرار گرفتن در فضاهای تازه روبرو نمایند تا آن‌ها تجربه‌های جدید بیاموزند (پورافکاری، ۱۳۷۳).

جایگاه هوش هیجانی در آموزش و پرورش و تأثیر آن بر فراگیران

آموزش و پرورش نهادی است که زمینه‌ها و عواملی را برای فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعدادهای انسان و سوق دادن او به سوی اهداف مطلوب از طریق برنامه‌های سنجیده و حساب شده فراهم می‌نماید. یکی از کارکردهای عمومی آموزش و پرورش، اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان است و مفاهیم عمده تربیت اجتماعی آن از جمله خوکفایتی، ابراز وجود، استقلال، خودپنداری، خودرهبی، رقابت، همکاری، نوع دوستی، هویت اجتماعی، تشخیص طلبی و دهها مؤلفه‌ی تربیتی دیگر که به نوعی شخصیت اجتماعی کودکان را شکل می‌دهد، در همین دوران آموزشگاهی تحقق می‌پذیرد.

تربیت افراد کنجکاو، خلاق، مسئول، متکی به خود، علم جو، حرمت گذار، کار طلب، وطن خواه، صلح دوست، آزاد منش، معتقد و ... همه و همه بستگی به وجود معلمانی شایسته‌ای دارد که خود در این زمینه‌ها الگو فراگیران باشند (بشارت، ۱۳۸۴).

تعداد قابل توجهی از تحقیقاتی که در مؤسسات آموزش عالی صورت گرفته است بیشتر در مورد موفقیت تحصیلی در دانش آموزان و به صورت تئوری متمرکز است. اگر هر یک از راهبردهای اجرائی شده به طور کامل انجام نشود، تأثیر قابل ملاحظه‌ای نخواهد داشت. شاید دیگر زمان آن رسیده باشد که به دنبال شناخت راهکارها و هم چنین احتمالات جدیدتری برای مشخص کردن مسائل پژوهشی مربوط باشیم. با توجه به اثرات پژوهش علمی پیرامون مسائل تقویت هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی در دانش آموزان لازم و ضروری بود تا در جهت روشن شدن چگونگی بررسی این موضوع پژوهش‌هایی انجام شود. با توجه به آنچه که مطرح شد پژوهش حاضر با هدف مذکور اجرا گردید.

شرح و روش کار

با گذشت چند روزی از سال تحصیلی و با مشاهده وضعیت شواهد موجود و همچنین با توجه به تجربیاتی که کسب کرده بودم متوجه شدم که باید مسئله مورد نظر و وضعیت مورد انتظار را با کمک خود دانش آموزان و اولیا و همکاران محترم حل و فصل نمایم. و تا حد توان شرایط بوجود آمده را بهبود بخشم. بنا بر این در ابتدای امر راهکارهای زیر را به کار بستم.

۱- مصاحبه:

ابتدا در مورد اهمیت تقویت هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی در دانش آموزان سوالاتی از دانش آموزان و اولیای آنها پرسیده شد و آنها پاسخ‌های گوناگونی ارائه دادند که این پاسخ‌ها را به طور خلاصه یاد داشت کردم. وبا اساتید و مشاورین و همکاران محترم مصاحبه کرده و اطلاعاتی در این زمینه به دست آوردم.

۲- برگزاری جلسه همکاران

جلسه ای با همکاران برگزار کردیم و در مورد مسئله تقویت هوش هیجانی با همکاران بحث و گفتگو کردیم و نتایج آنها را نیز به صورت یادداشت برداری تدوین نمودم.

۳- طرح پرسش

با توجه به پاسخ هایی که دانش آموزان و اولیاء در پاسخ به سوالات در رابطه با تقویت هوش هیجانی داده بودند لازم دانستم که اطلاعاتی را در این زمینه از اولیا بدست آوردم.

۴- مطالعه

مطالعه ی کتابها، مجلات و تحقیقاتی که در این زمینه کار شده بود، که عنوان بعضی از آنها در منابع و مأخذ ذکر شده است نیز، راه حل هایی یافت شد.

۵- مشاهده

یکسری از اطلاعات را با مشاهده مکرری که در جلسات و... داشتیم به دست آوردیم و از این طریق صحت نظر های ایشان در رابطه با پاسخ سوالات تأیید گردید. پس از بررسی اطلاعاتی که از طریق مصاحبه و طرح پرسش و مطالعه و مشاهده و نظریه های همکاران سایر مدارس و مشاوران امر به دست امد اطلاعات حاصل از این فرایند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مواردی که باید در این زمینه تغییر و اصلاح یابد معین شد.

اولین قدم برای افزایش هوش هیجانی شناخت احساسات خویش و خودآگاهی است (شریفی، ۱۳۷۴). مشکلات هیجانی مانند پرخاشگری، عدم شناخت درست از احساس خود و بیان آن، نداشتن قدرت تصمیم گیری سریع و صحیح، کنار نیامدن در کارهای گروهی، خشم و عصبانیت در مقابل باخت خود و بُرد همکلاسیان در بازی های مختلف کلاسی که برای تفهیم هر چه بهتر دروس گهگاه به راه می انداختیم، رفتارهای رایجی بود که بین دانش آموزان مشاهده می کردم. با توجه به این مسائل لازم دیدم تا راهی برای حل مشکلات رفتاری آنان بیابم. بسیاری از اوقات در کلاس درس شاهد ناهنجاری های رفتاری بچه ها بودم؛ بعضی از آنان به هیچ عنوان قصد همراهی با کلاس و معلم را نداشتند و من از این وضعیت راضی نبودم. احساس می کردم باید کاری کرد. ناگاه به یاد یکی از مباحث دروس دانشگاهی ام در رابطه با هوش هیجانی افتادم. به کتابخانه مراجعه کرده و بی درنگ شروع به مطالعه نمودم. درست حدس زده بودم؛ باید در این باره فکری می کردم تا جوابگوی نیازمب اشد و مرا به هدفم نزدیک سازد. هدفم از تقویت هوش هیجانی (عاطفی) این دانش آموزان، آگاهی از احساسات و تربیت آنها برای غلبه بر مشکلات مختلف پیش رویشان با دیگر همکلاسی ها در سطح مدرسه و جامعه بود. از نظر من این کار به چند دلیل مهم بود:

۱- به منظور برخورد با موقعیت های تهدید کننده و خطرناک. مثلاً در مواجهه با افراد شرور چگونه سریع و صحیح تصمیم بگیرند.

۲- به منظور خشنودی و شادی و احساس رضایت از زندگی (افراد دارای هوش هیجانی با توسل به مهارت خودشناسی می توانند به ریشه های پنهان شادی و یا غم خود آگاه شده و آن را مدیریت کنند).

۳- برای کمک به دیگران (حساسیت و هوش هیجانی بالاتر به افراد کمک می کند تا نیازهای دیگران را درک کرده و حداقل با همدلی به آنان کمک کنند).

۴- به منظور ایجاد حس مسئولیت پذیری (هوش هیجانی به ما کمک می کند تا فرزندانمان با مسئولیت پذیری بیشتر داشته باشیم). پس دست به کار شدم...

نتیجه گیری

در بخش روابط انسانی مشاهده شد عوامل اجرایی و معلمان دارای روابطی صمیمانه اما در چهارچوب قوانین هستند. همچنین با دانش آموزان رابطه ای از نوع محبت و از طرفی قانونمدارانه دارند. دانش آموزان هم براساس موقعیت اجتماعی و درسی که دارند با یکدیگر روابط دوستانه برقرار می کنند. اولیا هم به طور مرتب در مدرسه حضور دارند و پیگیر آموزش فرزندانمان هستند و مدرسه هم به طور کامل پاسخگوی آنهاست. در بخش اداری کلیه عوامل اجرایی در کنار روابط صمیمانه ای که دارند به طور کامل به وظایف خود عمل می کنند. در بخش آموزشی با روش های مختلف تدریس و همچنین کلاس داری و نحوه مدیریت زمان آشنا شدم و دانستم که

برای یک تدریس موفق باید علاوه بر معلم بودن و قانونمند بودن با دانش آموزان دوست بود و مانند فرزند خود با آن ها رفتار کرد. معلم ما نیز به طور کلی از روش های تدریس فعال استفاده میکرد و در هر درس به مقتضای آن از وسایل آموزشی مناسب بهره می برد.

پیشنهادهای

- شناخت نوع هوش: در ابتدا، مهم است که دانش آموزان و معلمان نوع هوشی که در آن برتری دارند را شناخته و درک کنند. هوش ها به صورت چندگانه و متنوعی وجود دارند، از جمله هوش عددی، فضایی، زبانی، منطقی، هنری و بینشی. با شناخت نوع هوشی که در آن برتری دارند، می توانند برنامه ها و راهکارهای مناسبی را برای توسعه آن هوش انتخاب کنند.
- توجه به نقاط قوت هوشی: برای تضمین موفقیت، مهم است تا دانش آموزان بر روی نقاط قوت هوشی خود تمرکز کنند. با بهره برداری و توسعه نقاط قوت خود، می توانند در رشته های مرتبط با آن هوش بهترین عملکرد را داشته باشند.
- توسعه هوش های دیگر: هر چند تمرکز بر نقاط قوت مهم است، اما توسعه هوش های دیگر نیز بسیار ارزشمند است. با تمرین و تقویت هوش های دیگر، دانش آموزان می توانند مهارت ها و توانایی های جدیدی را به دست آورند که در زندگی و تحصیل آنها مفید خواهد بود.
- تکنیک های یادگیری متناسب با هوش: هر نوع هوش ممکن است نیازمند روش های یادگیری متفاوتی باشد. برای مثال، در صورتی که دانش آموز برتری در هوش فضایی داشته باشد، استفاده از نمودارها، نقشه ها و تصاویر می تواند در یادگیری و درک مطالب بهتر کمک کند. بنابراین، تلاش برای شناخت روش های یادگیری متناسب با هوش دانش آموزان و اعمال آنها در فرایند تدریس می تواند موثر باشد.

منابع

- ۱- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۷). «روایت، روایت گری و تحلیل های شرح حال نگارانه» پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی «ویژه نامه ی پژوهش های اجتماعی: نیمه اول سال ۱۳۸۷».
- ۲- فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی، برگردان هادی جلیلی، تهران نی.
- ۳- کرسول، جان (۱۳۹۱). پویای کیفی و طرح پژوهش (انتخاب از میان پنج رویکرد)، برگردان حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار - اشراقی.
- ۴- کوری، گریگوری (۱۳۹۱). روایت ها و راوی ها، برگردان محمد شهباء، تهران: مینوی خرد.
- ۵- مکویلان، مارتین. (۱۳۸۸). گزیده مقالات روایت. برگردان فتاح محمدی، تهران: مینوی خرد